

نقش انگلستان در سرکوب قیام های مردمی ایران در 1900-1925

زهرا وفايي



معروفترین نیروی امپریالیسم سال 1900 که در برابر امپریالیسم روسیه قد علم نمود امپریالیسم انگلستان است. سردمداران وقت این کشور، در حالیکه مناطق وسیعی از آفریقا - هندوستان و آسیای دور را در حیطه مستعمره های خود داشتند، برای حفظ این مستعمره ها و نیز برای افزودن بر مستعمره های خود و نهایتاً برای قدرتمند کردن خود در برابر امپریالیسم کهن روسیه و امپریالیسم نوپای آمریکا همواره در تلاش بودند. تلاش آنها نه تنها در زمینه حدود جغرافیایی و ممالک مورد نظرشان دور میزد بلکه در محدوده اشخاص و سر سپردگان نیز بی وقفه در جریان بود.

کشور ایران به جهات بسیاری مورد طمع انگلیس بود. حفظ هندوستان و افغانستان - حفظ ممالک جدید الولاده عراق - کویت - لبنان - مصر - و نیز دست یابی به کشور های بلوک شرق اروپا و آسیای میانه و آسیای دور و نیز بهره گیری از منابع طبیعی و فراوان ایران منجمله نفت و از همه مهم تر سنگر بندی در مقابل امپریالیسم روسیه که حتی بعد از انقلاب کمونیستی نیز برای انگلستان خطر محسوب میشد، از جمله دلایل فوق است. با این مقدمه کوتاه میتوان دلیل تاسیس پلیس جنوب را در 1910 به خوبی دریافت. در حقیقت شروع کار پلیس جنوب شروع اشغال نظامی ایران توسط ارتش انگلیس است. و با قرارداد 1919 و ثوق الدوله با پرسی کاکس انگلیسی ایران عملاً به مستعمره جدید انگلستان در آمد. بدین طریق قوای مسلح - امور مالی - راه آهن - راههای شوسه و گمرکات ایران را در اختیار خود گرفت. در برابر این امتیازات وام دو میلیون لیره ای با بهره 7% به ایران داد که بهره آن از گمرکات کسر می گردید. هر چند که این معاهده به تأیید مجلس نرسید اما انگلستان با سوء استفاده از اوضاع آشفته داخلی کشور تا سالهای سال توانست از این امتیازات تأیید نشده بهره ببرد. در برابر مخالفت مجلس که اکثر اعضاء آن را افرادی مبارز و وطن دوست تشکیل میدادند، انگلستان فرمان جدیدی را دیکته نمود و آن از (فرمانبردار ساختن کامل ایران به یاری نمودن هیئت حاکمه در سرکوب قیامهای مردمی و دموکراتیک و بر سر کار آوردن نوکری حلقه بگوش) تغییر ماهیت داد. در این راستا با تغییر کابینه و ثوق الدوله به کابینه مشیرالدوله گام اول بر داشته شد. اما شعارهای تند و تیز ضد انگلیسی مشیرالدوله هم نتوانست کاری از پیش ببرد و مجلس به کابینه وی رای اعتماد نداد. ژنرال آیرون ساید که در این تاریخ فرمانده لشکر انگلیس در ایران بود از میان سه نامزد مورد نظر انگلیس (امیر موثق - امیر قلاعی و رضاخان) رضاخان را انتخاب نمود. سپس سرپرستی لشکر قزاق قزوین را به رضا خان داد. در 2 فوریه 1921 نورمان سفیر بریتانیا در تهران پیش شاه قاجار رفته و از خطرات هجوم کمونیستها به تهران وی را خبردار و پیشنهاد نمود که «لشکر قزاق قزوین برای حفظ شاه به تهران بیاید». در 22 فوریه تهران توسط لشکر قزاق تصرف شد و این لشکر با پیشواز رسمی اعضاء سفارت بریتانیا در ایران، وارد تهران شد!!

سید ضیاء الدین مامور تشکیل کابینه گردید. اولین کار این کابینه تحت حمایت انگلیس، دادن لقب رسمی سردار سپه به رضاخان بود و سپس بازداشت و دستگیری تمامی مخالفان عقد قرارداد 1919 و ثوق الدوله بود. قدم بعدی استخدام رسمی مستشاران انگلیسی و آمریکایی در سمت های حساس کشوری و لشگری بود. پس از آمدن مستشاران بود که ضیاء الدوله لایحه خروج نیروهای خارجی را از خاک کشور به مجلس برد که عمده هدف آن خروج نیروهای روسی بود. سید ضیاء الدوله گرچه به سفارش انگلستان رضاخان را به سمت وزیر جنگ منصوب نموده بود اما در دل از وی واهمه داشت و برای از بین بردن او دست بدامن داشنک ها و ژاندارم های قم و سمنان گردید. اما انگلیس مطلع گردید و کابینه وی را در نود و سومین روز کار از قدرت ساقط و پارلمان را به

قوام السلطنه مجدداً واگذار نمود . قوام السلطنه تربیت لشکر ایران را کلاً به سپاه جنوب واگذاشت و پنهانی در صدد تقویت آمریکا بر آمد . اما انگلستان که از درخواست وی از آمریکا در خصوص دریافت مقداری وام کم بهره مطلع گردیده بود وی را ساقط و این بار کابینه را به مشیرالدوله داد . مشیرالدوله در اولین خوش خدمتی 49% از بودجه کشور را به وزارت جنگ داد که وزیر آن رضا خان بود و افراد رده اول آن کلاً انگلیسی بودند . از این تاریخ جایگزینی فرماندهان نظامی به جای والی های محلی در مناطق ویژه ای از کشور همانند آذربایجان و مازندران و ترکمان و خراسان متداول گردید . قوام السلطنه با اظهار توبه مجدداً بر سر کار آمد و برای ابراز خوش خدمتی بلافاصله امتیاز نفت شمال را به شرکت ب . پ . (بنزین پارس) که وابسته تام انگلستان بود ، داد . وی در این بذل و بخشش 150 هزار دلار پاداش دریافت نمود . در 18 نوامبر همان سال میلادی به تهران آمد و به رضاخان و تیمورتاش و داور کمک نمود تا حزبی به نام تجدد راه اندازی کنند . البته در این تاریخ احزاب مختلفی مرتباً تشکیل می یافتند که اکثریت قریب به اتفاق احزاب راست از سوی بریتانیا حمایت و ساپورت میشدند . یک ماه بعد کابینه مستوفی الممالک بر روی کار آمد . افزایش مالیات مرزهای شوروی به سه برابر گمرکات عادی از مصوبات وی بود . کار انتخابات برای مجلس پنجم یکسال تمام بدرازا کشید . بورژوازی دولتی و محلی – فئودال های نامدار – ملاکان پرمایه برای جلب توجه انگلستان و برای بدست آوردن کرسی های بیشتر در مجلس راهی را می آزمودند . بانک شاهنشاهی در تبلیغ کاندیداتوری افراد مورد تأیید بریتانیا و رضا خان نهایت تبلیغ را می نمود . نهایتاً در 21 ژوئن 1923 مجلس پنجم تشکیل یافت . اولین کار مجلس فرستادن احمد شاه قاجار برای استراحت اجباری به خارج از کشور بود !! و دومین کار مجلس سرکوب خونین میتینگ و تظاهرات مردم تهران در اوت 1923 بود . مردم در یافته بودند که زمزمه جمهوری خواهی به ندای تغییر سلطنت تعبیر یافته است و از این رو بر علیه سیاستهای استعماری انگلیس و رضاخان به تظاهرات پرداختند .

برنامه ریزیهای انگلیس در خلع ید از قاجار و سپردن قدرت به رضا خان این بار در روزنامه ها – احزاب – میتینگ ها و تلگرام ها نمایان گردید . کمک های مالی بیدریغ به روزنامه هایی چون شفق سرخ – و احزابی چون تجدد و اصلاح طلبان – پخش چای و غذای مجانی در میان تظاهر کنندگان – از زمره این فعالیتها بود . اولین مجسمه رضاخان در پادگان ارتش تبریز بر پا شد . تلگرامهایی پی در پی به مجلس می آمد که در آنها خواستار خلع ید قاجار و سرمداری رضاخان می گردیدند !! در 28 مارس 1924 رضا خان سفر دو روزه ای به قم نمود و در مراجعت اظهار نمود : هم میهنان ! همانگونه که در عمل ثابت گردیده است شخصیت های دولتی هیچگاه نباید مخالف با افکار جامعه باشند . دولت کنونی تا امروز مانع ابراز احساسات ملی در هیچ گوشه از کشور نگردیده است (!!) هنگامی که من در قم با نمایندگان روحانیون عالیمقام دیدار و با آنان در باره اوضاع کنونی کشور تبادل نظر کردم همه ما سرانجام به این نتیجه رسیدیم که باید به همه مردم گوشزد کنیم تا از شعار جمهوریخواهی دست بردارند و همه نیرو و تلاش خود را صرف از میان برداشتن موانعی کنند که در راه اصلاحات و پیشرفت کشور قرار دارد از یکایک مردم بخواهیم که با من همکاری و در راه اجرای هدف مقدس فوق و تحکیم دین و استقلال و تشکیل دولت ملی استوار مرا یاری کنند . از این رو از همه میهن پرستان واقعی می خواهم که از اندیشه جمهوری خواهی دست کشیده و با من برای رسیدن به این هدف ها که همگی در درک آنها همفکر هستیم متحد شوند (!!).

البته هیچگاه مشخص نگردید که نظر علمای قم از دوام سلطنت ، در باره سلسله قاجار بود یا سلسله پهلوی اما آنچه که از این مفاد بر می آید هدف عمده رضاخان در مراجعت به قم بی اعتبار نمودن نمایندگان عالمی بود که از گوشه و کنار کشور در مجلس حضور داشتند و عملاً در برابر رضاخان بودند . در کنار اعتراض های فراوان به این سخنان و به این هدف شوم ، بریتانیا بلافاصله رضاخان را به سفارت خود در تهران فرا خواند و در دیداری که با هوارد – رایزن سیاسی سفارت داشت به او تکلیف شد که استعفا نامه به مجلس بنویسد . صبح فردا رضاخان استعفا نامه را نوشت و خود با خیال جمع عازم بومهن در 40 کیلومتری تهران گردید . این استعفا نامه دو روز بیشتر دوام نیاورد چرا که فرماندهان نظامی دست نشانده انگلیس – فئودال ها – وزراء – نمایندگان ... تحت حمایت انگلیس یکپارچه از مجلس خواستار بر گرداندن رضاخان شدند و در 8 آوریل کابینه رضاخان با 96% رای اعتماد بر سر کار آمد !

جبهه بندی آشکار میان انگلستان + رضاخان + سرمایه دار ها + فئودالها بر علیه حرکات آزادیخواهی مردم بوجود آمد . پیروزی از آن کدامیک بود ، مشخص می نمود . انگلستان پس از سالها برنامه ریزی اکنون به خط پایان پیروزی رسیده بود . تنها به جرعه ای کوچک نیاز بود . این جرعه در تهران با پیدا شدن چشمه ای معجزه آسا که با نوشیدن آب آن هر مریضی شفا می یافت ، زده شد . ایمبری ، کنسول آمریکا برای دیدار از این چشمه به محل رفت . مردم عوام با دیدن یک غیر مسلمان در کنار چشمه مقدس به وی هجوم آورده و در زیر مشت و لگد وی را

به هلاکت می رسانند! رضاخان بلافاصله اعلام حکومت نظامی در سراسر کشور را می نماید. تمامی دموکرات ها - کمونیستها - روشنفکران - روزنامه نگاران - نویسندگان و در کل تمامی کسان و تشکیلاتهایی که به نحوی از انحا در برابر اهداف امپریالیستی انگلیس صف بسته بودند در طول این حکومت نظامی بازداشت و بدون دادگاه به جوخه های اعدام سپرده میشوند و یا ترور و یا کشته می گردند. هیچکس از خشم انگلیس و انتقام رضاخان در امان نبود.

در 8 ژوئن 1945 رضاخان راهی آذربایجان میشود تا شاهکار های خود را به عینه ببیند. از تبریز - خوی - اردبیل - سلماس دیدار می کند و امیر طهماسبی را با خود به تهران می برد. امور مالی کشور کلاً به میلسپو مستشار آمریکایی داده شده است. بلافاصله شاه قاجار پیغامی از طریق سفارت انگلیس می فرستد که می خواهد به کشور بر گردد. رضاخان می داند که موضوع باج جدیدی در میان است. حمل کالا از مناطق بین النهرین آزاد و بدون هزینه گمرکی و بازرسی اعلام می گردد. روزنامه های بریتانیا از این تاریخ نام رضاخان را «علیحضرت» قید می نمایند!

در 31 اکتبر 1925 مجلس پنجم رسماً از قاجار خلع ید نموده و سلطنت را به رضا خان داد. نام پهلوی از این تاریخ به بعد بدنبال نام رضاخان می آید. انگلیس اولین دولتی است که بلافاصله سلطنت رضا خان را به رسمیت می شناسد. دولت بعدی آمریکا است. بدین طریق فعالیت های مزورانه انگلستان به نتیجه دلخواه می رسد و با استقرار حکومت نظامی و پلیسی رضاخانی امنیت در ایران مستولی میشود. امنیتی که آنرا کاپیتان نوئل (رئیس کنفدراسیون جنوب ایران) چنین توصیف می کند: بگذار شرکت نفت آزادی عمل کمتری داشته باشد و به جای آن از امنیت بیشتری بر خوردار گردیم که این به خودی خود غرامت بسنده ای است. البته این پایان سیاست گذاریهای انگلیس در ایران نیست چرا که با القای سیاست تردید و ترس از خطرات سرخ (کمونیست) سیاه (نهضت های اسلامی) و زرد (ترکها) شالوده سیاست خارجی ویژه ای را در رژیم پهلوی بر قرار نمود که در این راستا در کنار ضربات مهلکی که بر بدنه اقتصادی - سیاسی - فرهنگی و اجتماعی کشور وارد گردید توانست سالهای سال بی وقفه تمامی منابع در آمد و تصمیم گیری کشور را در اختیار خود داشته باشد.

حرکات آزادیخواهانه ای که در این سالها با دسیسه های بریتانیایی کبیر از هم پاشیده شدند عبارتند از: نهضت کلنل محمد تقی خان پسپان در خراسان که در سپتامبر 1921 در زدو خورد با قوای ارسالی قوام السلطنه کشته شد و نهضت از هم پاشید. نهضت جنگل که پس از واگذاری رهبری آن به حیدر خان عم او غلو دسیسه های انگلیس در میرزا کوچک خان اثر گذاشت و در 29 سپتامبر با کشتن حیدر خان عملاً نهضت از هم پاشید و در شروع سال 1922 رضاخان با کمک قوای انگلیسی آنها را شکست داد و میرزا کوچک توسط چریک های کرد انگلیس به قتل رسید و پرونده نهضت برای همیشه بسته شد. نهضت شیخ خزعل در خوزستان که وی بدستور مستقیم انگلستان تسلیم رضا خان شد و در زندان وی هم کشته شد. نهضت ترکمانان که با قتل مشکوک و نامعلوم عثمان آخوند، رهبر نهضت در هم پیچیده شد. نهضت آزادیستان خیابانی و نهضت دموکرات های آذربایجان و نهضت مشروطه آذربایجان که خیانت های رفته بر آنها از شرح این مقال خارج است. نهضت دموکرات های مردستان که با ایجاد تفرقه در میان سران نهضت و قتل یکدیگر بطرز فجیعی پایان گرفت. و در کنار این نهضت های شناخته شده قتل و تبعید و کشتار هزاران فعال دیگر را میتوان در پرونده خوش خدمتی بریتانیا به مردم ایران در نهضت های رهایی بخش و آزادیخواهانه جای داد. زهره وفايي

zeynabpasha@issa2000.net
Zohre_az@yahoo.com

<http://www.kitablar.com>
<http://www.kitablar.org/>